

نظریه تحقیق

تابعیت ملی و سیاسی به عنوان یک بسته با احکامی که عقلا بر آن مترتب می کنند در شریعت مطهر دلیلی ندارد.

قانون اساسی ج. ا. ایران و سایر قوانین جاری در این کشور نیز نمیتواند دلیل شرعی به حساب آید، بنابراین باید این بسته را باز کرد و احکام آن را مورد به مورد بررسی نمود. مثلا:

- بر مبنای اعتبار رای مردم در مشروعیت حکومت و انتخاب^۱ یا تعیین^۲ کارگزاران نظام، مردم هر کشور بر اساس قوانین جاری آن کشور حق و تکلیف پیدا می کنند. و دیگران از این دایره خارج اند. در این جا تصور نوعی تابعیت ملی - در همین حد که بیان شد - معقول است.
- در مثل حکم حکومی حاکم شرع و رهبری گاه مردم یک کشور، مخاطب قرار میگیرند و دیگران از آن خارج اند. (مثل شرکت در انتخابات) و گاه مردم خاصی مخاطب نیستند؛ مثل اعلام رؤیت هلال شوال؛ بنابراین که حکم حکومی باشد.
- در مصرف، انفال، فیه (مصداتی از انفال)، خمس، زکات، کفارات، مشترکات، و مباحات به حسب فتاوی موجود و مشهور یا متفق علیه تابعیت ملی معنا ندارد.^۳

البته گاه در جواز نقل مثل زکات (و بنابر وجهی و خمس) از شهر زکات به غیر آن، شبهه شده؛ به دلیل این که در نقل، تاخیر در ادا پیش می آید. به علاوه مرضی مردم آن شهر نیست که فقها، عموما این دو وجه ضعیف را پاسخ داده و بر وفاق آن فتوا نداده اند.

- عوائد موقوفات، مالیاتهای مأخوذ از مردم و ... گاه تابع قراری است که بین مردم و دولت حاکم بر آن سرزمین گذاشته می شود، در این صورت تابعیت نقش آفرین است ولی اگر قرار خاصی نباشد، نمی توان تابعیت ملی را محک قرار داد. با این توضیح وضعیت «بیت المال» (در بخش غیر آن چه اشاره شد)^۴ معلوم می گردد.

البته در این که بیت المال (در غیر عناوین مشخص) ملک عام مردم یا «ملک مصلحت» است، (با تفاوت آثاری که این دو احتمال دارد) جای بحث و گفتگو است.

۱. در غیر رهبری.

۲. در رهبری.

۳. توضیح بیشتر را در متون فقهی ملاحظه نمایید.

۴. بیت المال مثل انفال، خمس و فیه نیست که عنوان خاصی باشد بلکه یا به معنای محل نگهداری اموال یا خود اموال است که شامل هر مالی می شود که در اختیار حاکمیت قرار می گیرد و مال شخصی نیست.

ضمناً نادیدن گرفتن تابعیت ملی در آن چه گفته شد، از جهت عناوین اولیه است. و الا در این جا معرکه‌ای از حضور عناوین ثانویه است که باید اقتضائات آن را دید. مثلاً در وقتی که - به حق یا ناحق - همه کشورها تابعیت ملی دارند و کشور ما چه بخواهد یا نخواهد باید در این محدوده حرکت کند، آیا میتوان در مثل معادن و انفال الغای تابعیت ملی کرد؟ و به لوازم آن پای بند شد؟

مساله هفدهم: خاستگاه مصونیت دیپلماتیک در اسلام

مساله فوق، از اصول مهم در عرصه حقوق بین الملل است که با نگاه سیاسی، اجتماعی و قضایی قابل بررسی است. ما در این زمینه در بحث «کتاب القضاء» مساله پانزده به آن پرداخته‌ایم. چنان که در مقاله‌ای (که چاپ آن در جریان است) با عنوان فوق، به تفصیل از آن، گفتگو کرده‌ایم. مصونیت به دو بخش کلی: مصونیت قضایی (در وقتی که تخلفی از بهره مند از مصونیت صادر شود) و مصونیت غیر قضایی (دفاع از جان، مال و متعلقات شخص) تقسیم می‌گردد.

راه‌های مصونیت در اسلام

مصونیت در اسلام از چهار راه حاصل می‌شود:

- اسلام؛
- امان؛
- عقد ذمه؛
- مصلحت.

آیه ۶ از سوره توبه ناظر به مصونیت از طریق استجاره و امان است. از نکات پر بحث آیه، دلالت آیه بر حصر به قرینه «حتی یسمع کلام الله» است که موافقان و مخالفانی دارد. مرحوم طباطبائی - صاحب المیزان - موافق حصر^۵ و مثل ابن کثیر دمشقی^۶ مخالف آن است.

۵. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۶. تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۶۲۸.